

پویا ایزدی

دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

دکتر محمدرضا غلامپور^۱

استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

انتشار احکام قطعی در فقه و حقوق ایران

چکیده

انتشار حکم محکومیت در گذشته به عنوان یک کیفر تزدیلی مورد توجه بوده است. اکنون نیز قانون‌گذاران در برخی قوانین انتشار حکم محکومیت را به عنوان یک مجازات مورد توجه قرار داده‌اند. در فقه اسلامی تشهیر معادل همین اصطلاح است و به طور مصرح شارع مقدس تشهیر را به عنوان مجازات برخی از جرایم در کنار سایر مجازات‌ها قلمداد نموده است. اعمال این مجازات در گذشته از طریق جار زدن و یا انداختن زنگوله بر گردن مجرم در مکان‌های عمومی صورت می‌گرفت اما در عصر حاضر از طریق رسانه‌های گروهی در قالب به نمایش گذاشتن تصویر مجرم به عمل می‌آید. در ادله و مدارک موجود اگرچه به ندرت به این موضوع اشاره شده است اما فحص و جست و جوی در آنها چنین مجازاتی را در شرع مقدس توجیه می‌نماید به گونه‌ای که این موضوع از نگاه قانون‌گذار ما نیز پوشیده نمانده و انتشار حکم قطعی را در برخی مجازات‌ها پذیرفته است. پژوهشگر در این تحقیق در صدد اثبات این موضوع است که انتشار احکام در رسانه‌ها که امروزه برای برخی جرایم پیش بینی شده است فاقد مبنای شرعی نیست بلکه فقها نیز در کتب خود تحت عنوان تشهیر به این موضوع پرداخته و چنین مجازاتی را بر مبنای احادیث و روایات توجیه می‌نمایند.

کلیدواژه‌ها: انتشار حکم، تشهیر، انتشار تصویر، شاهد زور.

مقدمه

در تمامی ادوار تحمیل مجازات بر مجرمان امری ضروری بوده است زیرا تأمین و حفظ ارزش‌های موجود در افراد و جامعه منوط به آن است. در این راستا اعمال مجازات‌ها در جهت افکار، عقاید و خواسته‌های هر اجتماعی ظهور و بروز می‌نمود که هر یک از این مجازات‌ها دارای ویژگی‌های و اهداف منحصر به خود است. البته هدف نهایی و غایی از اجرای تمامی مجازات‌ها دفاع از اجتماع، اصلاح و تربیت یا درمان مجرم و بازگشت وی به زندگی اجتماعی است.

در میان مجازات‌های قابل اعمال بر مجرمان که مورد توجه حکام قرار می‌گرفته و در گذشته نیز بیشتر مورد توجه بوده و به کرات اعمال می‌شده است مجازات‌های با هدف تحقیر مجرم است. یکی از شیوه‌های تحقیر مجرمین که زیر لوای مجازات‌های سالب حیثیت مورد اعمال قرار می‌گیرد انتشار حکم محکومیت است که در فقه از آن تحت عنوان تشهیر نام برده می‌شود. تشهیر یکی از مجازات‌های تعزیری است که به مفهوم معرفی و رسوا نمودن مجرم است که می‌تواند با توجه به خطر و ضرری که از ناشناخته بودن مجرم به اجتماع وارد می‌گردد در جهت حفظ و اعتلای جامعه مورد استفاده قرار گیرد و وی در ملاء عام تشهیر (معرفی) شود.

در حقوق کیفری اسلام، کیفر تشهیر مجازات اصلی جرم شهادت کذب است و فلسفه‌ای که برای آن ذکر شده آن است که پس از تشهیر، شهادت شهود کذب در سایر موارد پذیرفته نشود. در فقه با تنقیح مناط و استفاده از وحدت ملاک، کیفر تشهیر برای جرایم قوادی، قذف، زنا و کلاهبرداری نیز پذیرفته شده است. از نگاه فقه اسلامی پنهان ماندن چهره واقعی مجرم و عدم افشای هویت مجرمانه او در جامعه زیان‌بار و خطرناک است و می‌تواند منجر به قربانی شدن تعداد بیشتری از افراد گردد. هرچند ممکن است نوع جرم خطر کمتری برای سایرین داشته باشد.

فقها در مورد جرایمی که نیاز به سخت‌گیری بیشتر یا مرتبط با حقوق مردم است کیفر تشهیر را جایز می‌دانند. ظاهراً می‌توان استنتاج کرد کیفر تشهیر در مورد جرائم با اهمیت بالا، هرگاه دارای مصلحت اجتماعی، فایده‌ارباب، بازدارندگی از ارتکاب و همچنین تکرار جرم اقتضا کند جایز است. به‌طور نمونه در حقوق کیفری ایران برحسب مصلحت اجتماعی انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت متهمان تحت

شرایطی مجاز است (م ۹۶ ق.آ.دک). علاوه بر انتشار تصویر متهمان، قانون مجازات اسلامی در اقدامی نوآورانه انتشار احکام قطعی را به‌عنوان یکی از مجازات‌های تردیلی در چند ماده مورد توجه قرار داده است.

در این تحقیق ضمن شناخت جرایم مختلف در فقه که تشهیر در آنها مورد حکم قرار گرفته نگاهی تطبیقی به مسأله تشهیر در فقه و انتشار احکام قطعی و تصویر متهمان در قوانین موضوعه خواهد شد؛ و مثبت و منفی بودن چنین مجازاتی در قالب ارائه فلسفه آن مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۱- مفهوم شناسی

پیش از آنکه به بررسی انتشار احکام قطعی در حقوق موضوعه و مصداق فقهی آن یعنی «تشهیر» پرداخته شود لازم است معنی و مفهوم «انتشار احکام قطعی» و «تشهیر» به لحاظ لغوی و اصطلاحی مشخص گردد. به همین منظور ابتدا به مفهوم لغوی هر یک از عبارات فوق پرداخته خواهد شد سپس مفهوم اصطلاحی آنها را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۱- انتشار احکام قطعی

«انتشار» در لغت به مفهوم «پراکنده شدن» (عمید، ۱۳۶۳: ۲۸۱/۱) و «فاش و شایع شدن» (انوری، ۱۳۸۱: ۵۸۸/۱) آمده است. حکم نیز در لغت به مفهوم استحکام، اتقان و نفوذناپذیری می‌باشد. بر همین اساس است که میله آهنی لگام اسب را «حکمه» نامیده‌اند؛ زیرا مرکب را برای سوارکار، رام کرده و از سرکشی باز می‌دارد. (فراهیدی، ترتیب العین، ۱۴۱۴ق). به آرای صادره از سوی قضات نیز «حکم» گویند زیرا احکام صادره توسط قضات از چنان جایگاهی برخوردار است که نقض آن به‌راحتی امکان‌پذیر نیست و همه به پذیرش «حکم» وی ملزم هستند. در کتب لغت معانی دیگری نیز برای حکم آورده شده است: مانند «داوری به عدل» و «حلم و حکومت» که هیچ‌کدام به مفهوم حکم نمی‌باشد بلکه از لوازم آن هستند.

حکم در اصطلاح فقها خطاب شرعی است و اثر آن فتوی، داوری قضایی و دستورهای ولایتی و حکومتی می‌باشد. (خلیلی، ۱۳۹۰: سال ۱۶/ شماره ۲) در اصطلاح حقوقی، حکم صادره از سوی دادگاه رأیی است که به موجب آن، اختلاف در دادگاهی که آن را صادر کرده فصل می‌شود. این احکام از جنبه‌های مختلفی قابل تقسیم هستند؛ یکی از این تقسیمات به لحاظ قابلیت اعتراض بر رأی است که در اثر آن احکام به قطعی و غیرقطعی تقسیم می‌گردند. یکی از نویسندگان در مفهوم حکم قطعی بیان می‌کند حکمی است که؛ اصولاً بعد از قطعیت مفاد آن لازم‌الاجرا است و دیگر نمی‌توان با اعتراض به آن خواستار رسیدگی مجدد به پرونده شد. (خالقی، ۱۳۸۷: ۳۷۵/۱). نویسنده دیگری بیان می‌دارد: «حکم قطعی حکمی است که قابلیت اعتراض به آن با هیچ‌یک از طرق عادی شکایت از جمله؛ واخواهی و تجدیدنظر امکان‌پذیر نیست». (شمس، ۱۳۹۰: ۱۲۰/۲).

انتشار احکام قطعی در اصطلاح حالتی است که؛ هرگاه حکم محکومیت قطعی مرتکب صادر گردد در صورتی که اقتضا نماید به طرق مختلف حکم صادره به اطلاع عموم می‌رسد. در گذشته این اعلان حکم از طریق جار زدن در معابر و مکان‌های عمومی بود ولی اکنون با توجه به پیشرفت تکنولوژی این اعلان از طریق انتشار تصویر یا اسامی مرتکبین صورت می‌گیرد.

۱-۲- تشهیر

«تشهیر» نوعی مجازات تحقیر کننده است که فقها در کلام خود خصوصاً در کیفر شهادت دروغ استفاده کرده‌اند. این مجازات معادل انتشار اسامی و تصاویر محکومین در برخی جرایم مهم در حوزه قانون‌گذاری کیفری است.

۱-۲-۱- مفهوم لغوی

تشهیر (که تجریس نیز نامیده شده است) مصدری از باب تفعیل و از ریشه «شَهَرَ» است و در لغت به معنای «مشهور کردن» و «رسوا ساختن» آمده است. (عمید، ۱۳۶۳: ۱/ ش ۶۸۹).

در جای دیگر تشهیر در معنی لغوی، ظاهر کردن و نمایاندن شیء به منظور تقبیح آن نزد مردم و به منظور آگاه شدن از قباحت آن تعریف شده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۹۹). این مجازات سنتی که لایه‌هایی از آن در عصر حاضر به نمایش گذاشته می‌شود از دیرباز در قالب‌های گوناگون از جمله: نقره‌داغ کردن، به گردن آویختن، طرطور یا تخته کلاه^۱ و یا جاز زدن به اجرا در می‌آمده است.

علمای لغت برخی از الفاظی که مترادف با تشهیر هستند را ذکر کرده‌اند. این الفاظ عبارت‌اند از: اشاعه، اظهار، اعلام، افشا و مجاهره.

۱-۲-۲- مفهوم اصطلاحی

تشهیر اصطلاحی است که بیشتر در حوزه فقه و حقوق جزا کاربرد دارد و از معنای لغوی و لفظی خود فاصله نگرفته است و در اصطلاح به مفهوم معرفی کردن و رسوا نمودن کسی که مرتکب جرم گردیده است؛ یعنی هرگاه شخصی مرتکب جرم گردد وی را به جامعه معرفی و جرم وی را به مردم اعلام نموده و او را رسوا نمایند؛ به عبارت دیگر تشهیر همان رسوا کردن مجرم است.

عبدالقادر عوده در کتاب تشریح جنایی تشهیر را این‌گونه تعریف نموده است: «اعلان مجازات مجرم و ندا دادن به گناه او در برابر مردم بالأخص در جرایمی که در آنها به عنوان امین مردم به مجرم اعتماد می‌شود تا او را بشناسند و از او دوری نمایند.» (عوده، ۱۴۱۳ق: ۷۰/۱).

۲- جرایم مستوجب تشهیر

فقها قائل بر آن هستند که برخی جرایم به دلیل اهمیت دارای چند کیفر هستند؛ یکی از این کیفرها در کنار کیفر اصلی جرم ارتكابی، «تشهیر» است که در ذیل به این جرایم خواهیم پرداخت:

^۱ ناصر خسرو، جهانگرد، شاعر ایرانی (۳۹۴-۴۸۱ ق.)، از این مجازات در روزگار فاطمیان چنین خبر می‌دهد: اهل بازار مصر هر چه فروشند، راست گویند و اگر کسی به مشتری دروغ گوید، او را بر شتری نشانند، زنگی به دست او دهند تا در شهر همی گردد و زنگ همی جنباند و منادی می‌کند که: من خلاف گفتم و ملامت می‌بینم و هر که دروغ گوید، سزای او ملامت باشد.

۲-۱- شهادت کذب

در فقه کیفر تشهیر مجازات اصلی شهادت کذب است و در جرایم پنج‌گانه دیگر که در زیر اشاره خواهد شد فقها با وحدت ملاک از همین مورد چنین مجازاتی را برای آن جرایم نیز پیش‌بینی نموده‌اند.

بدون تردید شاهدی که شهادت دروغ می‌دهد دارای مسئولیت حقوقی و کیفری است. فلذا هرگاه دروغ بودن شهادت با دلیل قاطعی مانند علم قاضی به آن ثابت شود حکم صادره نقض می‌گردد؛ زیرا فساد آن آشکار شده است و اگر محکوم‌به مال باشد، آن مال بازگردانده می‌شود و هرگاه امکان بازگرداندن آن نباشد شهودی ضامن می‌باشند؛ همچنین باید از عهده جبران هر چیزی که به سبب شهادت دروغ آنها از بین رفته است برآیند و در هر صورت خواه دروغ بودن شهادت پیش از انشای رأی ثابت شود یا بعد از آن، یا اینکه چیزی از بین رفته باشد یا نرفته باشد شهود تعزیر می‌شوند و در سطح شهر و حومه آن معرفی می‌گردند تا از پذیرش شهادت آنان خودداری شود و مایه عبرت دیگران قرار گیرد. (دادمربی، ۱۳۹۵: ۲۲۵).

فقهای امامیه قائل بر آن هستند که اختلافی در مورد تشهیر شاهد کذب همراه با تعزیر وجود ندارد. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق: ۶/۲۴۰؛ نجفی، ۱۳۶۳: ۴۱/۲۵۳). هرچند برخی از آنان با لفظ «یجب» قائل بر وجوب تشهیر شده و دسته دیگر با عبارت «ینبقی» اراده استحباب نموده‌اند. (زمانی و دیگران، ۱۳۹۰: سال ۴۴/ش ۲). البته برخی نیز همچون صاحب جواهر علی‌رغم پذیرش وجوب تعزیر شاهد زور قائل بر آن است: «تعزیر شاهد زور واجب است و خلافی در آن نیست و حاکم می‌تواند توسط تازیانه یا اطلاع دادن در بین قبیله و محله‌اش وی را تعزیر کند تا دیگران از انجام چنین کاری خودداری کنند.» (نجفی، ۱۳۶۳: ۴۱/۲۵۳). از کلام صاحب جواهر استنباط می‌گردد که حاکم بنا بر مصلحت، می‌تواند تشهیر را به‌عنوان یکی از انواع تعزیر برگزیند، درحالی که قائلین به وجوب و استحباب تشهیر، فارغ از اجرای مجازات تعزیری، تشهیر را لازم می‌دانند.

فقهای اهل سنت نیز مجازات شاهد کذب را تعزیر و تشهیر می‌دانند حتی برخی از فقهای اهل سنت از جمله ابن قدامه ادعای اجماع نموده‌اند. ایشان در این خصوص بیان می‌دارند: «شاهد زور باید علاوه بر تعزیر، تشهیر شود و در این حکم، هیچ اختلافی بین فقهای اهل سنت وجود ندارد.» (ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ۱۲/۱۵۴).

روایات وارده از معصومین (ع) به عنوان یکی از ادله مهم در تشهیر شاهد زور می‌باشند. در همین باب روایت محمد بن علی بن الحسین از سماعه است که از امام صادق (ع) نقل کرده است که ایشان فرمودند: «هُودُ الزُّورِ يَجْلِدُونَ جَلْدًا، وَ لَيْسَ لَهُ وَقْتُ، وَ يُطَافُ بِهِمْ حَتَّى يَعْرِفُوا وَ لَا يَعُودُوا. قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ تَابُوا وَ أَصْلَحُوا، تَقْبَلُ شَهَادَتَهُمْ بَعْدَ؟ قَالَ: إِذَا تَابُوا تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ، وَ قَبِلَتْ شَهَادَتُهُمْ بَعْدَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۳۳۳/۲۷). «شاهدان زور باید شلاق زده شوند که وقت (خاصی) برای آن نیست و باید در شهر گردانده شوند تا این که او را (به عنوان شاهد کذب) بشناسند و مجدداً مرتکب آن نشوند. از ایشان پرسیدم: اگر توبه کنند و اصلاح شوند، آیا شهادتشان بعد از آن پذیرفته می‌شود؟ ایشان فرمودند: چنانچه در برابر خداوند توبه کنند، شهادتشان قبول می‌شود». فقها یکی از مستندات خود مبنی بر پذیرش کیفر تشهیر را عبارت «و يطاف بهم» در همین روایت دانسته‌اند.

روایت دیگری که فقها در باب تجویز شهادت زور به آن استناد می‌نمایند روایت غیاث بن ابراهیم است. احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن یحیی، از غیاث بن ابراهیم از امام جعفر صادق (ع) نقل می‌کند که ایشان از پدرش نقل کرده است: «أَنَّ عَلِيًّا (ع) كَانَ إِذَا أَخَذَ شَاهِدَ زُورٍ، فَإِنْ كَانَ غَرِيبًا، بَعَثَ بِهِ إِلَى حَيْهٍ، وَ إِنْ كَانَ سَوْقِيًّا، بَعَثَ بِهِ إِلَى سَوْقِهِ، فَطُيْفَ بِهِ، ثُمَّ يَحْبَسُهُ أَيَّامًا، ثُمَّ يَخْلِي سَبِيلَهُ»: (همو، همان، ۳۳۴). «هرگاه حضرت علی (ع) شاهد زوری را دستگیر می‌کرد، اگر غریب بود، او را به محله و شهر خودش می‌فرستاد و اگر بازاری بود او را به بازار محل کسب و کارش می‌فرستاد و (به‌عنوان شاهد کذب) گردانده می‌شد (تا مردم او را ببینند) و چندین روز او را به زندان می‌انداخت و بعد او را رها می‌کرد». این روایت در کتاب «من لايحضره الفقيه» به عنوان یکی از ادله تجویز تشهیر مورد استناد قرار گرفته است. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۵۹/۳).

۲-۲- قوادی

قوادی عبارت است از به هم رسانیدن مرتکبین فحشا، مانند زنا، لواط و مساحقه. این جرم با دو اقرار شخص دارای اهلیت و مختار یا شهادت دو شاهد مرد عادل اثبات می‌شود. فقها در این مورد نیز در کنار اعمال شلاق حدی مجازات‌های دیگری از جمله؛ تراشیدن سر، تشهیر و تبعید وی را نیز قابل اعمال می‌دانند. در همین خصوص شهید

اول می‌نویسد: «حد قیادت هفتاد و پنج ضربه شلاق است، خواه آزاد باشد یا بنده، مسلمان باشد یا کافر، مرد باشد یا زن. و برخی گفته‌اند: در همان دفعه اول که این کار را انجام می‌دهد سر تراشیده می‌شود و او را در شهر می‌گردانند و به شهر دیگر تبعید می‌کنند و این امر اختصاص به مرد دارد پس زن نه سرش تراشیده می‌شود و نه در شهر گردانده می‌شود و نه تبعید می‌شود.» (شهید اول، ۱۳۸۵: ۲/۲۳۰).

از کلام شهید اول استنباط می‌گردد که کیفر تشهیر در کنار سایر مجازات‌های قوادی قابل اعمال است و از فحوای کلام وجوب آن استنباط می‌گردد.

۲-۳- احتیال

احتیال در لغت به معنای حيله کردن، مکر و حيله، چاره‌جویی کردن و ... آمده است. در فقه اسلامی احتیال (کلاهبرداری) نوعی اکل مال به باطل است که قرآن کریم نیز در آیه ۱۸۸ سوره بقره به این موضوع اشاره کرده است: «و لا تاكولو اموالکم بینکم بالباطل». در همین خصوص برخورد حضرت علی (ع) با یکی از مامورین بازار به نام ابن هرمه موید کیفر تشهیر در جرایم مالی در اسلام است. «هنگامی که حضرت از خیانت ابن هرمه مأمور بازار اهواز مطلع گردید به رفاعه کارگزار اهواز چنین نوشت: هرگاه نامه‌ام را خواندی، ابن هرمه را از بازار برکنار کن و او را به خاطر مردم از کار بازدار و سپس زندانی نما و خبر آن را اعلان عمومی کن و به کارگزارانت بنویس و نظرم را به آنان ابلاغ نما... تا جایی که گفته شده هنگامی که جمعه شد او را از زندان بیرون آر و ۳۵ تازیانه بر او بزن و در بازار بچرخان». (قاضی نعمان، ۱۳۸۵ق: ۵۳۲-۵۳۳). از کلام امام (ع) استنباط می‌شود که انتشار حکم محکومیت در مفاسد اقتصادی مقبول و مورد پذیرش است. قانون‌گذار ما نیز در (ماده ۳۶ ق.م.ا) انتشار حکم محکومیت را در جرایم اقتصادی پذیرفته و مقرر نموده: «حکم محکومیت قطعی در جرایم موجب حد محاربه و افساد فی‌الارض، یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود».

۲-۴- قذف

از دیگر جرایمی که در فقه اسلامی برای آن مجازات انتشار حکم در نظر گرفته شده است «قذف» است. قذف عبارت است از: نسبت زنا یا لواط دادن به کسی؛ نسبت دهنده را قاذف و نسبت داده شده را مقذوف گویند. درباره جرم قذف و مجازات قاذف آیه ۴ و ۵ سوره نور و روایات وارده از ائمه معصومین صراحتاً ۸۰ ضربه شلاق را به عنوان کیفر قاذف ذکر نموده‌اند؛ در نصوص آمده در مورد کیفر قذف هیچ کدام دلالت بر تشهیر قاذف ندارند. البته روایتی از عباد بن صهیب در مورد مرد نصرانی که مسلمانی را قذف کرده بود وارد شده است که در آن امام صادق (ع) علاوه بر حد قذف، دستور به اطافه وی در بین هم‌کیشان به عنوان تعزیر داد.^۱ بر همین اساس فقها لفظ اطافه را حمل بر تشهیر کرده‌اند و در کتب خود تشهیر را در کنار هشتاد ضربه شلاق به عنوان مجازات قذف تلقی کرده‌اند. از همین رو است که برخی از فقهای امامیه از جمله: محقق حلی در *شرایع الاسلام*، (محقق حلی، ۱۴۰۳ق: ۱۵۴/۴). علامه حلی در *قواعد الاحکام*، (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق: ۵۴۷/۳). *فخرالمحققین در ایضاح الکفایة*، فاضل هندی در *کشف اللثام*، (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق: ۵۳۸/۱۰). شهید اول در *اللمعة الدمشقیة*، (شهید اول، ۱۳۸۵: ۲۵۹/۲). شهید ثانی در *مسالك الافهام*، (شهید ثانی، ۱۴۱۹ق: ۴۵۰/۱۴). صاحب *جواهر در جواهر الکلام*، (نجفی، ۱۳۶۳: ۴۳۰/۴۱). امام خمینی (ره) در *تحریر الوسيلة*، (خمینی، ۱۴۲۱ق: ۴۷۳/۲). فاضل لنکرانی در *تفصیل الشریعة* (فاضل لنکرانی، ۱۴۰۶ق: ۳۹۰). مجازات قذف کننده را هشتاد ضربه شلاق و تشهیر وی می‌دانند به طور مثال شهید اول و ثانی درباره حد قاذف آورده‌اند: «حد القاذف ثمانون جلده بشیابه متوسطاً دون ضرب الزنی و یشهر لتجتنب شهادته». (شهید اول، ۱۳۸۵: ۲۳۵/۲؛ امینی و آیتی، ۱۳۹۲: ۲/۲۳۲).

مهم‌ترین دلیل فقهای فوق بر اعمال مجازات تشهیر بر حذر بودن مردم از شهادت این افراد است؛ زیرا وقتی قاذف نسبت ناروا و دروغی به دیگری می‌دهد مرتکب عمل خلاف اخلاق شده است و احتمال اینکه در اجرای شهادت به نفع یا ضرر دیگری هم مرتکب دروغ شود وجود دارد؛ فلذا لازم است جهت آگاهی و برحذر بودن مردم از رجوع به چنین شخصی جهت ادای شهادت، تشهیر و رسوا گردد.

^۱. «سئل أبو عبدالله (ع) عن نصرانی قذف مسلماً؛ فقال له: یا زان، فقال: یجلد ثمانین جلدة لِحَقِّ المسلم، وَ ثمانین سَوطاً إلاً سَوطاً لِحرمة الإسلام، وَ یُحلقُ رأسَهُ، وَ یطافُ به، فی أهلِ دینِهِ لِكَي يَنكُلَ غَیْرَهُ».

فقهای اهل سنت برخلاف نظر فقهای فوق قائل بر آن هستند که مجازات اصلی قذف همان هشتاد ضربه شلاق است. البته این فقها در این که اجرای حد قذف در انظار عمومی باشد اختلافی ندارند و تشهیر قاذف را به عنوان مجازات تبعی حاصل از اجرای علنی حدود پذیرفته‌اند.

قانون مجازات اسلامی برخلاف قول مشهور فقهای امامیه که مجازات قذف کننده را هشتاد ضربه شلاق و تشهیر تعیین کرده‌اند فقط هشتاد ضربه شلاق را به عنوان مجازات قذف مقرر نموده است و به نظر می‌رسد مصلحت اجتماعی اقتضای چنین تصمیمی را دارد؛ زیرا قانون‌گذار حتی الامکان باید رعایت حریم خصوصی افراد بنماید و از منتشر کردن نام و تصویر مرتکبین خودداری کند مگر آنکه جرم ارتكابی به حدی خطرناک باشد که در این صورت نه تنها انتشار نام مرتکب مفسده نداشته باشد بلکه مفید هم باشد.

۳- اقسام تشهیر

همان‌طور که ذکر شد تشهیر در فقه نوعی کیفر تعزیری است که بسته به نظر قاضی در برخی جرایم قابل اعمال است. این نوع کیفر بسته به ارتباط با دیگر مجازات‌ها، مکان و زمان اجرای آن قابلیت تقسیم دارد که در زیر به آنها خواهیم پرداخت.

۱- مجازات‌ها بسته به ارتباطی که با همدیگر دارند به اصلی، بدلی، تکمیلی و تبعی تقسیم می‌شوند. مجازات اصلی مجازات تعیین شده برای یک جرم است و اصولاً مجازات‌ها از این نوع هستند مثل کیفر تعیین شده برای جرم سرقت. مجازات بدلی، همان‌طور که از نامش پیدا است بعضاً نوعی جایگزین برای مجازات اصلی است. مثل کیفر قصاص مجازات اصلی جنایت عمدی است حال ممکن است اولیای دم یا مجنی علیه با جانی توافق کنند که به جای اجرای قصاص، دیه پرداخت گردد. مجازات‌های تبعی مجازات‌هایی هستند که بدون ذکر در حکم قهراً اجرا می‌گردند؛ همچون محکومیت قطعی به حبس جنایی به دلیل ارتکاب جرم عمدی (نوربها، ۱۳۸۷: ۳۶۲). یا محرومیت از ارث به دلیل قتل مورث. مجازات تکمیلی نیز مجازاتی است که همراه با کیفر اصلی بنا به صلاحدید قاضی تعیین و در حکم دادگاه مشخصاً آورده می‌شود. (همو، همان، ۳۶۲).

کیفر تشهیر در ارتباط با مجازات‌های مذکور از نگاه فقها به دو دسته تقسیم می‌شود: دسته اول؛ تشهیر به‌عنوان مجازات اصلی جرم ارتكابی؛ مثل تشهیر در جرم شهادت کذب. دسته دوم؛ تشهیر به‌عنوان مجازات تبعی که خود به دو نوع تقسیم می‌شود: تشهیر در اثر مجازات اصلی مثل قطع دست سارق که در اثر آن تشهیر محقق می‌گردد و تشهیر ناشی از اجرای مجازات اصلی در ملأ عام. مثل سنگسار مجرم به دلیل اقرار وی و فرار وی از حفره که دیگر بازگردانده نمی‌شود اما بالتبع تشهیر هم صورت گرفته است.

۲- تشهیر به اعتبار مکان اجرا: این نوع تشهیر، بسته به گستردگی اجرای آن در مکان، به دو دسته محدود و شایع تقسیم می‌شود. تشهیر محدود همان‌گونه که از لفظ نهفته برداشت می‌شود تشهیری است که گستره مکانی آن محدود است. مثل؛ انتشار حکم محکومیت در محل؛ اما هرگاه دامنه مکانی تشهیر گسترش یابد به‌گونه‌ای که موقعیت مکانی آن نامحدود گردد تشهیر شایع گفته می‌شود؛ مانند این‌که خبر مجازات مجرم و یا انتشار تصاویر و یا نام وی از طریق وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های گروهی چون روزنامه، مجله، رادیو و تلویزیون منتشر شود.

۳- تشهیر به اعتبار زمان: این نوع تشهیر بسته به برهه زمانی و باقی ماندن آثار آن به دو دسته دائمی و موقت منقسم می‌شود. در تشهیر دائمی به دلیل آثاری که از اجرای مجازات اصلی برجای می‌ماند مرتکب در طول زندگی‌اش زبانزد عموم مردم می‌شود. مثلاً در اثر اجرای برخی حدود دست یا پای مرتکب قطع می‌گردد و همین امر سببی است که مرتکب در تمام دوره حیات خود، انگشت نمای جامعه گردد. برخلاف نوع مذکور در تشهیر موقت، رسوایی مجرم در جامعه محدود به دوره‌ای خاص می‌گردد. مثلاً در مجازات شاهد زور که گرداندن در سوق یا جامعه است پس از مدتی چنین مجازاتی از اذهان مردم و جامعه پاک می‌گردد و مرتکب به زندگی عادی خود ادامه می‌دهد.

۴- فلسفه تشهیر

فلسفه تشهیر در نوع جرایمی که چنین مجازاتی برای آنها در فقه تعیین شده نهفته است. همان‌طور که ذکر شد اکثر فقها قائل بر آن هستند که تشهیر نوعی مجازات اصلی برای شاهد زور است. فلذا فلسفه و علتی که برای چنین مجازاتی می‌توان متصور شد آن است که پس از تشهیر، شهادت شاهدان زور در سایر موارد پذیرفته نمی‌شود. البته

نمی‌توان مورد مذکور را تنها فلسفه چنین مجازاتی دانست بلکه اعمال این مجازات به دلیل تحقیرآمیز بودن مانع از ارتکاب شهادت زور توسط دیگران نیز می‌گردد فلذا؛ به‌نوعی می‌توان یکی دیگر از فلسفه‌های چنین مجازاتی را تحقیرآمیز بودن و ارباب‌آوری آن دانست.

در ذیل به‌طور تفصیلی به فلسفه اعمال مجازات تشهیر در فقه خواهیم پرداخت:

۴-۱- زجرآور بودن تشهیر و عبرت‌پذیری دیگران

مانعیت از ارتکاب جرم توسط مجرم و دیگران یکی از مهم‌ترین خصوصیات مجازات‌ها می‌باشد و این امر میسر نمی‌گردد مگر آنکه کیفر تعیین شده به حدی شدید و دردناک باشد که مجرم هرگاه سود و زیان حاصله از ارتکاب جرم را مورد سنجش قرار دهد، صرفه خود را در آن ببیند که از ارتکاب آن امتناع ورزد. (فیض، ۱۳۶۹: ۲۲۷). از اینرو برخی از افراد تشهیر را به‌عنوان مجازاتی زجرآور تلقی می‌نمایند زیرا؛ حفظ آبرو و جلوگیری از انگشت‌نما شدن برای آنها از هر چیزی مهم‌تر است. فلذا هرگاه فردی درک نماید که در اثر ارتکاب جرمی مانند شهادت زور انگشت‌نمای خلق می‌گردد از ارتکاب چنین جرمی امتناع می‌ورزد. ابن‌الهام حنفی معتقد است: «باید مجازات توان‌بازدارندگی را داشته باشد؛ یعنی آگاهی پیدا کردن از آن انسان را از مبادرت به گناه بازدارد و دانستن آن بعد از ارتکاب گناه از بازگشت مجدد جلوگیری کند» (شامبیاتی، ۱۳۷۵: ۳۰۲/۲).

برخی فقها قائل بر آن هستند که اجرای کیفر همراه با معرفی و تشهیر مجرم در جامعه، نه‌تنها برای مجرم زجرآور است بلکه این زجرآوری به سایر افراد نیز انتقال می‌یابد و منتج به عبرت‌آموزی آنها می‌شود. (گلدوزیان، ۱۳۶۵: ۴). به همین دلیل است کسانی که اجرای مجازات را دیده باشند نسبت به کسانی که آن را می‌شوند تأثیرگذارتر است.

۴-۲- کاهش بزه‌دیدگی افراد

تشهیر مجرم سبب شناسایی وی در جامعه می‌گردد و این امر عاملی است در جهت کاهش قربانیان بالقوه چنین مجرمانی. (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق: ۴۵۶/۱۰). اکثر مجرمان پس از تحمل کیفر به جامعه باز می‌گردند البته؛ با توجه به عدم شناسایی و رسوایی،

برخی از آنان مجدداً مورد اعتماد مردم قرار می‌گیرند و تعداد بیشتری را بزه‌دیده اعمال ارتكابی خود می‌نمایند. در سیاست جنایی اسلام یکی از اهداف تشهیر مجرمان دفع خطر احتمالی مجرم است. امروزه بیش از همیشه شاهد حضور افرادی در لباس شاهد کنار دادگستری‌ها هستیم. بیشتر این شاهدان در قبال پول حاضر بر ارائه شهادت زور هستند. فقها قائل بر آن هستند؛ تشهیر فردی که موجبات قوادی را فراهم نموده از موجبات عبرت و نیز ممانعت از هم‌نشینی با چنین مجرمانی است؛ زیرا هرچه افراد از هم‌نشینی با این مجرمان دوری گزینند اعضای خانواده علی‌الخصوص فرزندان آنها از شر آنان در امان خواهند ماند. (ابن براج، ۱۴۰۶ق: ۶۰/۹).

۳-۴- تغلیظ عذاب مجرمان

از دیگر مواردی که به عنوان فلسفه مجازات تشهیر، قابل بررسی است تغلیظ و تشدید عذاب مجرمان است. (علامه حلی، ۱۴۱۹ق: ۵۳۹/۳). زیرا هرگاه شخصی متوجه مجازات عمل ارتكابی یعنی تشهیر گردد به دلیل از دست دادن آبروی خود در بین اطرافیان دچار عذاب شدید روحی و روانی می‌گردد که خود عامل بازدارنده‌ای در جهت ارتكاب جرایمی با کیفر تشهیر است لازم به توضیح است برخی مجرمان در بیشتر موارد، زندان و یا حتی شلاق و مجازات‌های مشابه را به رسوایی بین مردم ترجیح می‌دهند؛ لذا این نوع از مجازات می‌تواند نقش بسیار مثبتی در عدم تکرار جرم توسط مجرم داشته باشد. آیت الله مکارم شیرازی در این رابطه می‌گوید: «این واقعیت را نباید از نظر دور داشت که بسیاری از مردم برای حیثیت و آبروی خود بیش از مسأله تنبیهات، اهمیت قائل هستند و رسوایی مجرم ترمز نیرومندی بر روی هوس‌های سرکش آن هاست». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲: ۳۶۰/۱۴-۳۵۹). البته بر این نظر بدین دلیل انتقاد وارد است که هرگاه مجرمی به دلیل تشهیر تحقیر گردد نمی‌تواند خود را در قالب انسانی برخوردار از زمینه رشد و فعالیت مناسب ببیند فلذا با آبروی بر باد رفته خود نمی‌تواند خود را مانند دیگران حائز احترام بداند و دست از کارهای خلاف خود بردارد. در همین راستا در جرم‌شناسی نوین تشهیر مجرم را می‌توان منطبق با نظریه برچسب‌زنی قلمداد نمود که باعث می‌شود این باور را در مجرم تقویت کند که وی ذاتاً فردی شرور است و هیچ وقت نمی‌تواند مثل سایر افراد عادی جامعه باشد.

۵- تشهیر مجرم پس از قطعیت حکم

در اسلام، سیره پیامبر (ص) و معصومین (ع) مبتنی بر آن بوده که تا حد ممکن از تشهیر فرد جلوگیری نمایند. در برخی روایات دیده می‌شود که مجرم اقرار بر ارتکاب جرم داشته است اما ائمه تلاش می‌کردند که مجرم را از اقرار بازدارند^۱ و به عبارتی سعی در بزه پوشی داشته‌اند. تفکر بزه پوشی در اسلام به نوعی مؤید امتناع از تشهیر مجرم است؛ اما این بزه پوشی تا لحظه اثبات جرم صورت می‌گرفت لذا، به محض آنکه جرم اثبات می‌گردید اجرای آن نیز صورت می‌گرفت خواه در اثر آن مجرم تشهیر می‌شد یا خیر.

در حقوق موضوعه ایران نیز با پذیرش اصل براءت، سعی در بزه پوشی و جلوگیری از تشهیر متهم شده است اصل فوق هم در قوانین عالیه مملکتی مانند قانون اساسی و هم در قوانین عادی مورد توجه قرار گرفته است. مقامات تحقیق یا شاکی خصوصی پس از ارائه ادله مستحکم مبنی بر مجرمیت متهم و عبور از اصل براءت و درنهایت صدور حکم مجرمیت پرونده وارد مرحله دیگری تحت عنوان اجرای کیفر می‌شود که البته در این مرحله نیز ضوابطی به‌منظور جلوگیری از تشهیر مجرم پیش‌بینی شده است. در فلسفه‌ی کیفر تشهیر اشاره شد که اجرای چنین مجازاتی برای برخی از مجرمان نسبت به سایر کیفرها به مراتب تحقیرآمیزتر است زیرا با تشهیر مجرم حیثیت اجتماعی وی از بین رفته و بازاجتماعی چنین مجرمانی سخت و دشوار است. به همین دلیل است که کیفر تشهیر فقط برای برخی از جرایم در فقه و حقوق موضوعه ایران پیش‌بینی شده است.

در حقوق موضوعه، تشهیر متهم، از طریق انتشار حکم وی، یا معرفی او از طریق رسانه‌های گروهی، پیش از قطعی شدن رأی دادگاه، خلاف نص قانونی و جرم است؛ بنابراین تنها در صورتی محکومیت وی و قطعیت حکم تحت شرایطی می‌توان از این مجازات استفاده نمود.

^۱. از امام جعفر صادق (ع) نقل شده است که فرمودند: «أَتَى النَّبِيَّ (ص) رَجُلٌ فَقَالَ إِنِّي زَنَيْتُ إِلَىٰ أَنْ قَالَ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَوْ اسْتَتَرَ ثُمَّ تَابَ كَانَ خَيْرًا لَهُ: مردی نزد پیامبر (ص) آورده شد که اقرار به زنا می‌کرد. پیامبر (ص) به او فرمودند: اگر این عمل را پنهان و در درگاه خداوند توبه می‌کردی، برای تو بهتر از این بود». نک: (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۸، ۳۷).

۵-۱- صدور احکام قطعی

در حقوق موضوعه قطعی شدن احکام یکی از شرایط انتشار آن است. ماده ۴۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص قطعیت احکام مقرر نموده است: آراء کیفری در موارد زیر پس از ابلاغ به موقع اجرا گذاشته می‌شود:

الف- رأی قطعی که دادگاه نخستین صادر می‌کند.

ب- رأیی که در مهلت قانونی نسبت به آن واخواهی یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام نشده باشد یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام آن رد شده باشد.

پ- رأیی که مرجع تجدیدنظر آن را تأیید یا پس از نقض رأی نخستین صادر کرده باشد.

ت- رأیی که به تأیید مرجع فرجام رسیده باشد.»

صدور آرای مذکور از مهم‌ترین شرایط تحقق انتشار احکام است. هرچند در مواردی قانون‌گذار بدون توجه به اصل برائت، انتشار مشخصات متهمین به جرم قبل از صدور حکم قطعی را تجویز نموده است که چنین حرکتی از یک‌سو در راستای تأمین منافع عمومی جامعه و از دیگر سو در جهت تأمین منافع متضررین از جرم قابل توجیه است.^۱

۵-۲- عدم اخلال در نظم و امنیت

یک از مبانی قانونی انتشار احکام قطعی ماده ۳۶ ق.م.ا است. هرچند ماده فوق در راستای سلسله مقرراتی است که گام‌های آن در قوانین کیفری سابق برداشته شده بود. تبصره ۳ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ که می‌توان به‌نوعی

۱. ماده ۹۶ ق.آ.د.ک: انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضائی ممنوع است مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است:

الف- متهمان به ارتکاب جرائم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) (ماده (۳۰۲) این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به دست آمده از طریق چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود.

ب- متهمان دستگیر شده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوای خصوصی توسط آنان، منتشر می‌شود.

آن را قانون تشهیر معرفی نمود در سال ۱۳۸۵ به‌عنوان تبصره الحاقی به ماده ۱۸۸ این قانون اضافه شد و انتشار حکم را در مورد جرایم مالی علیه دولت پیش‌بینی کرده بود و پیش از آن نیز قانون اقدامات تأمینی و تربیتی انتشار حکم را به‌عنوان اقدامی تأمینی و نه مجازات در نظر گرفته بود و این موضوع حکایت از آن دارد که قانون‌گذار ما همیشه از انتشار احکام به‌عنوان حربه‌ای برای مبارزه با بزهکاری و بزهکاران سود جسته است. در مقایسه بین دو ماده فوق باید اذعان داشت که ماده ۳۶ ق.م.ا با بیانی کلی‌تر و فراتر از قانون آیین دادرسی کیفری به موضوع پرداخته است البته ماده فوق با ایراداتی نیز همراه است که جدای از فلسفه وجودی انتشار احکام که بر حذف آن از سیطره مجازات‌ها تأکید می‌گردد؛ نشان می‌دهد قانون‌گذار تأمل کافی در تدوین آن مبذول نداشته است.^۱

در ماده ۳۶ مذکور آنچه بیش از همه مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته عبارت: «موجب اخلال در نظم و امنیت نباشد» مندرج در صدر ماده است. بهترین برداشتی که از عبارت مذکور می‌توان نمود آن است که انتشار حکم محکومیت در روزنامه رسمی در هریک از جرایم موجود در ماده که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد مدنظر است به عبارت بهتر انتشار حکم موجبات اخلال را فراهم نسازد.

۵-۳- الزامی یا اختیاری بودن

الزامی یا اختیاری بودن انتشار احکام ناشی از وجود مواد قانونی مختلف در قانون مجازات اسلامی است. تقسیم انتشار احکام به الزامی و اختیاری از سوی مقام قضایی، به دلیل توجه به شخصیت محکومین از جنبه‌ی حقیقی یا حقوقی آنها است. هرگاه مجازات نسبت به اشخاص حقیقی اعمال گردد مطابق ماده ۲۳ ق.م.ا به‌عنوان مجازات تکمیلی شناخته می‌شود و بر این اساس قاضی مختار در اعمال آن است؛ ولی هرگاه اعمال مجازات در مورد اشخاص حقوقی باشد به دلیل آنکه مجازات مطابق ماده ۲۰ قانون فوق‌الذکر از نوع مجازات‌های اصلی است دادگاه باید آن را اجباراً مورد اعمال قرار دهد. البته هرچند مجازات‌های مندرج در ماده ۲۰ از نوع اصلی بوده و اجرای آنها اجباری است اما با توجه به

^۱ جهت اطلاع بیشتر رک: ایزدی، پویا، ۱۳۹۴، انتشار حکم محکومیت قطعی از منظر حقوق کیفری و جرم‌شناسی، پایان‌نامه جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد. استاد راهنما، حسین فخر، دانشگاه تبریز، ۷۳.

اینکه مجازات‌های مندرج در ماده فوق متنوع است قاضی اجباراً یک یا دو مورد از آنها را به صورت اختیاری تعیین می‌نماید فلذا ممکن است انتشار احکام قطعی به صورت اختیاری از بین مجازات‌ها از جنبه اجباری بودن مورد توجه قاضی قرار گیرد. فارغ از توجه قانون‌گذار به حقیقی یا حقوقی بودن اشخاص محکوم، براساس مجازات‌های مندرج در مورد برخی جرایم انتشار حکم محکومیت الزامی شده است. این جرایم در صدر ماده ۳۶ ق.م.ا و تبصره آن برشمرده شده است.

۴-۵- جرایم مشمول انتشار احکام قطعی

در فقه جرایمی مانند؛ شهادت کذب، احتیال، قذف و... مشمول انتشار یا تشهیر قرار گرفته که در مطالب پیشین به آنها پرداخته شد. اگرچه جرایم فوق در حقوق موضوعه ایران مشمول مجازات انتشار نشده اما جرایم دیگری به لحاظ شرایط زمانی از سوی قانون‌گذار دارای چنین مجازاتی تعریف شده‌اند که مشخصاً به مواد مربوطه پرداخته می‌شود. یکی از مهم‌ترین مواد قانون مجازات اسلامی در باب انتشار احکام قطعی ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی است. مطابق این ماده: «حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال در صورتی که موجب اختلال در نظم یا امنیت نباشد در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود». برخلاف ماده فوق که توجه قانون‌گذار بیشتر حول جرایم امنیتی از جمله؛ محاربه و افساد فی الارض بوده است و حوزه انتشار آن نیز محدود به محل جرم گردیده در تبصره همین ماده^۱ بیشتر جرایم

۱. ت ماده ۳۶ ق.م.ا: انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود:

الف- رشاء و ارتشاء؛ ب- اختلاس؛ ب- اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری؛ ت- مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری؛ ت- تبانی در معاملات دولتی؛ ج- أخذ پورسانت در معاملات خارجی
ج- تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت؛ ح- جرائم گمرکی؛ خ- قاچاق کالا و ارز؛ د- جرائم مالیاتی؛ ذ- پولشویی؛ ر- اختلال در نظام اقتصادی کشور؛ ز- تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی.

اقتصادی ملاک انتشار احکام قرار گرفته است و با توجه به اینکه جرایم اقتصادی برای قانون گذار از اهمیت بسزایی برخوردار بوده حوزه انتشار آن نیز گسترده تر شده و انتشار آن از طریق رسانه ملی و روزنامه‌های کثیرالانتشار تجویز گردیده است. علاوه بر ماده و تبصره فوق ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی نیز سخن از مجازات‌های تکمیلی رانده و انتشار احکام را به عنوان یک مجازات تکمیلی قلمداد کرده است. مطابق صدر این ماده افراد محکوم به حد، قصاص یا مجازات‌های تعزیری از درجه شش تا درجه یک ممکن است بنا به تصمیم مقام قضایی محکوم به انتشار حکم گردند.

نباید این شبهه ایجاد گردد که انتشار احکام قطعی مختص افراد است فلذا نمی‌توان در مورد اشخاص حقوقی چنین مجازاتی را اعمال نمود. در همین خصوص ۲۰ قانون مجازات اسلامی یکی از مجازات‌های تعیینی برای اشخاص حقوقی را انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها دانسته است.

با توجه به مقررات مذکور در باب انتشار احکام قطعی، پژوهشگر به این نتیجه رسیده که تنها در خصوص یک سری مجازات‌های خاص نمی‌توان مجازات انتشار محکومیت را اعمال کرد این مجازات‌ها عبارت‌اند از: جزای نقدی درجه هفت؛ ۲- شلاق تعزیری درجه هفت؛ ۳- محرومیت از حقوق اجتماعی درجه هفت؛ ۴- جزای نقدی درجه هشت؛ ۵- شلاق تعزیری درجه هشت؛ ۶- حبس تعزیری درجه هفت در صورت حصول موانع موجود در ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی؛ ۷- دیات؛ ۸- مجازات‌هایی که با هیچ‌یک از بندهای هشتگانه ماده ۱۹ ق.م.ا.م. مطابقت نداشته باشند که در این صورت مجازات درجه هفت محسوب می‌گردد. (ایزدی، ۱۳۹۴: ۷۶).

۵-۵- انتشار تصویر محکومین

پیش از آنکه به بحث انتشار تصویر محکومین در قانون آیین دادرسی کیفری جدید پرداخته شود لازم به توضیح است که در قانون آیین دادرسی کیفری سابق، انتشار از دو منظر مورد پیش‌بینی قرار گرفته بود. شق اول؛ مربوط به جایی است که متهم محکومیت پیدا کرده و به اصطلاح عنوان مجرم بر او بار می‌شود و در نتیجه دادگاه مبادرت به صدور دستور انتشار حکم می‌ورزد. اما در شق دوم؛ خواست متهم ملاک است فلذا هرگاه وی تبرئه شود می‌تواند خواستار انتشار حکم برائت خود گردد. در قانون جدید آیین دادرسی

کیفری انتشار احکام به قانون مجازات اسلامی محول گردیده است که در جای خود به آن پرداخته شد.

قانون جدید آیین دادرسی کیفری نسبت به قانون مجازات اسلامی و قانون سابق آیین دادرسی کیفری پا را فراتر نهاده و در مواردی پیش از اثبات جرم، انتشار تصویر متهمین را پذیرفته است. پذیرش انتشار تصویر متهمین بیشتر منطبق با بحث فقهی تشهیر است زیرا در تشهیر نیز محکوم در معرض عموم قرار می‌گرفت. با این حال فلسفه‌ای که در تشهیر فقهی نهفته آن است که سعی بر آن شده که مجرم از سوی تمام افراد جامعه شناسایی گردد تا آنان از جرایم بعدی وی در امان بمانند ولی در تشهیر مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری دلایلی چند از نظر قانون‌گذار اهمیت داشته است: ۱- متواری بودن متهم؛ ۲- وجود دلایل کافی برای توجه اتهام به متهمین؛ ۳- عدم امکان دستیابی به متهم از طریق دیگری غیر از انتشار تصویر؛ ۴- انتشار تصویر متهمان دستگیر شده به علت ارتکاب چند فقره جرم به منظور مراجعت شکات.

در باب تفاوت‌های بین دو قانون سابق آیین دادرسی کیفری و مجازات اسلامی با قانون آیین دادرسی کیفری جدید باید اذعان داشت که انتشار حکم در دو قانون ابتدایی، تنها پس از صدور حکم قطعی و در مورد مجرمین پیش‌بینی شده است و در همین راستا انتشار جریان رسیدگی در دادگاه بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و مشتکی‌عنه باشد مقرر شده است و تخلف از این تکلیف فرد را در مظان افترا قرار می‌دهد. با این وجود در قانون جدید آیین دادرسی کیفری در موارد خاصی برای متهمین قبل از صدور حکم قطعی انتشار تصویر مطابق ماده ۹۶ پیش‌بینی شده است. در اعمال چنین ماده‌ای باید کمال احتیاط مورد توجه باشد زیرا قبل از اثبات مجرمیت اصلی همچون براءة متهم را از عنوان مجرمیت و به تبع آن بار شدن مجازات مصون می‌دارد.

قانون‌گذار در قانون جدید آیین دادرسی کیفری علاوه بر انتشار تصویر متهمین، انتشار حکم براءة متهمین را نیز پذیرفته است. در این حالت هرگاه شخص مظنون از اتهام خود تبرئه گردد می‌تواند از دادگاه انتشار حکم براءة خود را بخواهد. در همین خصوص ماده ۵۱۲ ق.آ.ک مقرر می‌دارد: «شخصی که به موجب حکم قطعی براءة حاصل کند می‌تواند حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی از دادگاه صادر کننده

حکم نخستین درخواست نماید که حکم برائت از محل اعتبارات مربوط به قوه قضائیه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شود». مطابق ماده مذکور انتشار حکم برائت از محل اعتبارات قوه قضائیه است این در حالی است که در قانون سابق آیین دادرسی کیفری مطابق ماده ۲۹۸ حکم برائت متهم در صورت درخواست وی با هزینه خودش در جراید کثیرالانتشار اعلان می‌شد که با اهداف عدالت کیفری مخالف است.

نتیجه‌گیری

تشهیر در حقوق کیفری اسلام به‌عنوان مجازات برخی جرایم مورد توجه قرار گرفته است. این مجازات به مفهوم رسوایی مجرم و اعلام جرم او به همگان است. برخی از فقها با تبعیت از روش ائمه معصومین (ع) در برخی شرایط خاص مثل شهادت کذب و نیز با تنقیح مناط از علت جواز آن در جرایم خاص و همچنین با نظر به میزان ضرری که به واسطه ناشناخته ماندن مجرم در برخی جرایم دیگر ممکن است به جامعه وارد آید تشهیر را ضروری و بر لزوم اجرای آن تأکید کرده‌اند.

اگرچه تشهیر در حقوق اسلام مورد پذیرش قرار گرفته است اما دلالتی بر اینکه چنین کیفری در آیات و روایات به‌صورت منصوص مورد توجه قرار گرفته باشد وجود ندارد. روایات وارده در خصوص اطافه مجرم (گرداندن مجرم در محل‌های عمومی) و یا اجرای علنی مجازات مجرمان و حتی آیه ۲ سوره نور در خصوص مجازات علنی زانی و زانیه بیانگر برخی از طرق اجرای کیفر و مصادیق بارز آن است و به صورت ضمنی دلالت بر مشروعیت تشهیر و رسوایی مجرم دارند لذا، به عنوان نص وارده مبنی بر جواز این کیفر تلقی نمی‌گردند. از این رو تشهیر به صورت نص مورد توجه قرار نگرفته و تنها از منابع فوق استنباط می‌گردد.

کیفر تشهیر با توجه به اثر منفی‌ای که بر روی مجرم دارد و بعضاً موجب ساقط کردن وی از ادامه زندگی می‌شود باید به ندرت از سوی قضات اعمال گردد. در فقه اسلامی نیز به این موضوع توجه شده لذا تعداد جرایم با چنین مجازاتی انگشت شمار هستند و فقط در زمانی چنین مجازاتی تجویز گردیده که مصلحت اجتماع اقتضای اجرای آن را داشته است.

در قوانین موضوعه ایران به مانند فقه؛ کیفر انتشار تصویر و احکام قطعی متهمان و محکومان مورد توجه قرار گرفته است. البته چنین مجازاتی به دلیل آثار و توابع سنگینی که می‌تواند داشته باشد باید حتی‌الامکان در اجرای آن احتیاط کرد و فقط در مورد جرایم سنگین این مجازات اعمال شود. البته با نگاه عمیق به قوانین مصوب دیده می‌شود که نه تنها انتشار احکام درباره متهمین مورد پیش‌بینی قرار گرفته است، حتی مرتکبین در جرائم سبک نیز از اعمال مجازات تردیلی انتشار احکام از حاشیه امنی برخوردار نیستند.

📖 کتاب‌نامه:

- ✽ قرآن کریم.
- ۱- ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، قم.
 - ۲- ابن برّاج، عبدالعزیز، المهدّب، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، قم.
 - ۳- ابن قدامه، المغنی، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ اول.
 - ۴- امینی، علیرضا و آیتی سید محمد رضا، تحریر الروضه فی شرح اللمعه، انتشارات طه، چاپ ۱۶.
 - ۵- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، چاپ اول، تهران.
 - ۶- ایزدی، پویا، انتشار حکم محکومیت قطعی از منظر حقوق کیفری و جرم شناسی، پایان نامه جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد، استاد راهنما، حسین فخر، دانشگاه تبریز.
 - ۷- حرعاملی، محمد، وسائل الشیعه، مؤسسه آل بیت (ع) لاحیاء التراث، چاپ اول، قم.
 - ۸- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، تهران.
 - ۹- خلیلی، اصغر. (۱۳۹۰)، مفهوم شناسی واژه حکم در فقه سیاسی، حکومت اسلامی، سال ۱۶، شماره ۲.
 - ۱۰- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، تهران.
 - ۱۱- دادمزی، سید مهدی، فقه استدلالی، ترجمه تحریر الروضه فی شرح اللمعه، انتشارات طه، چاپ ۳۴، قم.
 - ۱۲- زمانی، لیلا و دیگران. (۱۳۹۰)، تشهیر شاهد زور، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، ش ۲، سال ۴۴.
 - ۱۳- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، انتشارات ویستار، چاپ هشتم، تهران.
 - ۱۴- شمس، عبدالله، دوره بنیادین آیین دادرسی مدنی، انتشارات دراک، چاپ یازدهم، تهران.
 - ۱۵- شهید اول، لمعه دمشقیه، ترجمه و تبیین علی شیروانی، انتشارات دارالکفر.
 - ۱۶- شهید ثانی، زین الدین، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرایع الإسلام، مؤسسه معارف اسلامی، قم.
 - ۱۷- شیخ طوسی، الخلاف، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، قم.
 - ۱۸- علامه حلّی، حسن، قواعد الاحکام، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، قم.
 - ۱۹- عمید، حسن، فرهنگ عمید، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، تهران.

- ۲۰- عوده عبدالقادر، التشریح الجنائی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، مؤسسه الرساله، چاپ دوازدهم، بیروت.
- ۲۱- فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعة فی شرح تحریرالوسیلة (الحدود)، مرکز فقه ائمه اطهار(ع)، قم.
- ۲۲- فاضل هندی، محمد، کشفاللتام والأیهام عن قواعد الأحكام، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، قم.
- ۲۳- فخرالمحققین، محمد، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القوائد، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول، قم.
- ۲۴- فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب العین، انتشارات اسوه، قم.
- ۲۵- فیض، علیرضا، (۱۳۶۹) تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، تهران.
- ۲۶- قاضی نعمان، دعائم الإسلام، تحقیق: آصف بن علی أصغر فیضی، دار المعارف، چاپ دوم، قاهره.
- ۲۷- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی و مبنای شریعت اسلام، ناشر مؤلف، چاپ اول، تهران.
- ۲۸- محقق حلی، جعفر، شرایع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مصحح عبدالحسین محمد علی بقالی، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، قم.
- ۲۹- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیة، چاپ دوازدهم.
- ۳۰- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرایع الاسلام، مصحح محمود قوچانی، دارالکتب اسلامی، چاپ ششم، تهران.
- ۳۱- نوریها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارت گنج دانش، چاپ ۲۱، تهران.